

جایگاه بزه‌دیدگان در دیوان کیفری بین‌المللی؛ با تأکید بر مشارکت آنان در مراحل آغازگری دعوا و تحقیقات مقدماتی

محسن لعل‌علیزاده^{۱*}، موسی عاکفی قاضیانی^۲، علیرضا حجت‌زاده^۳،
محسن سیرغانی^۴

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
۲. استادیار گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
۳. استادیار گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
۴. استادیار گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

پذیرش: ۹۳/۳/۳۱

دریافت: ۹۲/۲/۱۸

چکیده

مشارکت بزه‌دیدگان اشاره به موقعیتی دارد که طی آن، حق قابل ملاحظه شرکت فعال در مراحل مختلف رسیدگی و ارائه دیدگاه‌ها و نگرانی‌ها را به آنان اعطا می‌کند. حقیقت‌یابی، ایجاد سازش، تحکیم هنجارها و اعاده حاکمیت قانون از زمره اهم اهداف مشارکت محسوب می‌شوند. اساسنامه رم برای بزه‌دیدگان حق واقعی در آغازگری رسیدگی‌ها را به رسمیت نشناخته و در این مرحله حقوق مشارکتی آنان در شروع تحقیقات بسیار محدود است. اما در مقایسه با این مرحله، دیوان کیفری بین‌المللی در مرحله تحقیقات مقدماتی، حقوق مشارکتی نسبتاً گسترده‌تری را مورد پذیرش قرار داده است. اما با وجود این، اساسنامه و سایر مقررات دیوان، راهبردهای



ناچیزی در زمینه ماهیت «مشارکت»، جرئیات، شرایط و شیوه اعمال آن توسط قضات به دست می‌دهد. کلی، مبهم، پیچیده و متناقض بودن اساسنامه رم و سایر مقررات دیوان در زمینه مشارکت بزه‌دیدگان، به‌ویژه در زمینه تحقیق، به دادستان و قضات اجازه می‌دهد که در این راستا با رویکردی موسع و امکان اعمال سلاقی شخصی، تصمیماتی اتخاذ کنند. تاکنون عدم ثبات و انسجام عملکرد و رویه دیوان در راستای مشارکت بزه‌دیدگان، در بیش از یک دهه‌ای که از اشتغال به کار آن می‌گذرد، در کنار حضور و مشارکت نامنظم و بدون بهره‌مندی از ارشاد و معاضدت درست و کافی، در مجموع، مشارکتی تقریباً نمادین را برای بزه‌دیدگان به نمایش گذاشته است.

واژگان کلیدی: بزه‌دیده، مشارکت، دیوان کیفری بین‌المللی، تحقیقات مقدماتی، عدالت ترمیمی

۱. درآمد

بزه‌دیده که قرن‌ها به‌عنوان حلقه مفقوده عدالت کیفری محسوب می‌شد، پس از جنگ جهانی دوم به‌تدریج با ظهور بزه‌دیده‌شناسی، کانون مطالعات حقوق جزا قرار گرفت. هر چند اولین بزه‌دیده‌شناسان نظیر بنجامین مندلسون^۱، هانس ون هنتیگ^۲ و ماروین ولفگانگ^۳ سعی بر تشریح جرم از طریق بررسی نقش بزه‌دیده کردند، لکن تمرکز آن‌ها بر جرائم مرسوم نظیر قتل در حقوق ملی بود. رابرت الیاس^۴ در ۱۹۸۵ معتقد به گسترش قلمرو بزه‌دیده‌شناسی از محدوده مرزهای قوانین کیفری ملی بود [۱، ص ۱۲۳]. پژوهش‌ها و فعالیت‌هایی از این دست موجب شد که رویکرد بزه‌دیده‌محوری به‌تدریج در اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد.

پس از تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی [از این پس به اختصار، دیوان] در ۱۷ ژوئن ۱۹۹۸ در رم، نخستین دیوان بین‌المللی دائمی با صلاحیت رسیدگی به جنایات

1. Benjamin Mendelsohn
2. Hans Von Hentig
3. Marvin Wolfgang
4. Robert Elias

نسل‌کشی، ضد بشریت، جنگی و تجاوز رسماً ایجاد شد.^۱ اساسنامه در اول جولای ۲۰۰۲ متعاقب تصویب ۶۰ کشور لازم‌الاجرا گردید. دیوان نیز به‌عنوان یک نهاد مستقل بین‌المللی، تحت تأثیر تحولات و فرایندهای حاکم، حقوق و حمایت‌هایی را برای بزه‌دیدگان در نظر گرفته است.

بزه‌دیدگان ضمن مراحل رسیدگی در دیوان حق دارند که دیدگاه‌ها و نگرانی‌های‌شان را مستقیماً به قضات اعلام کنند. از این حق که عمدتاً از طریق نمایندگان حقوقی اعمال می‌شود، به «مشارکت»^۲ تعبیر شده است. در این پژوهش برآنیم که ضمن بررسی آثار پارادایم‌های نوین عدالت کیفری، یعنی عدالت ترمیمی و بزه‌دیده‌محوری بر اساسنامه و سایر مقررات و رویه دیوان، مشارکت بزه‌دیدگان در مراحل آغازگری رسیدگی‌ها و تحقیقات مقدماتی را مورد ارزیابی قرار دهیم. در واقع پرسش محوری، بررسی این امر است که آیا مشارکت بزه‌دیدگان در مراحل اشاره شده، مشارکتی فعال، واقعی و اثربخش قلمداد می‌شود یا منفعل و نمادین. در این راستا درک رویکرد موسع یا مضیق دیوان در بیش از یک دهه فعالیت، به‌ویژه راجع به پیش‌شرط‌های مشارکت، شایان توجه است.

۲. تبیین مفهوم بزه‌دیده

«بزه‌دیده کسی است که خسارت قطعی، آسیب به تمامیت شخصی او وارد آورده است و اکثر افراد جامعه هم به این مسأله اذعان دارند». ارائه‌کنندگان این تعریف، تصریح کرده‌اند که در این راستا، دیدگاهی کاملاً فردگرایانه داشته، از بی‌حرمتی و اهانت نسبت به وجدان جمعی بحث نشده است [۲، ص ۹۶-۹۸]. بند ۱ اعلامیه اصول اساسی عدالت

۱. در اولین کنفرانس بازنگری اساسنامه که در ژوئن ۲۰۱۰ در کامپالا، پایتخت اوگاندا، برگزار شد، جنایت تجاوز تعریف گردید، لکن تعیین نحوه و شرایط صلاحیت دیوان درخصوص این جنایت، موکول به تصمیم‌گیری در سال ۲۰۱۷ شد.

2. participation



برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت^۱، بزه‌دیده را چنین تعریف کرده است: «بزه‌دیدگان، اشخاصی هستند که به شکل فردی یا گروهی، از طریق افعال یا ترک افعال ناقض قوانین کیفری دول عضو از جمله قوانینی که سوءاستفاده مجرمانه از قدرت را ممنوع کرده‌اند، به آسیب‌هایی نظیر آسیب بدنی، روانی، رنج عاطفی، زیان اقتصادی و یا لطمه اساسی به حقوق بنیادی خود دچار شده‌اند» و بند ۲ این اعلامیه، بزه‌دیده را اعم از خانواده بلافصل^۲ یا وابستگان بزه‌دیده مستقیم^۳ و اشخاصی می‌داند که ضمن مساعدت به بزه‌دیدگان، در مواجهه آن‌ها با رنج و پریشانی و جلوگیری از بزه‌دیده شدن آسیب دیده‌اند.

از مباحث مورد مناقشه در کمیسیون مقدماتی و اجلاس رم، تعریف بزه‌دیده، به‌ویژه تعمیم مصادیق این مفهوم به کلیه اشخاص حقوقی بوده است؛ لکن از آن‌جا که به موجب ماده ۸ اساسنامه، در زمینه تعریف و تعیین مصادیق جرائم جنگی به دارایی‌های تحت حمایت مقررات کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو و اهداف غیرنظامی اشاره شده است، به‌ناچار به طور مقید و استثنایی، برخی اشخاص حقوقی نیز به‌عنوان بزه‌دیده محسوب شده‌اند.^۴

تعریف ماده ۸۵ آیین دادرسی و ادله دیوان از بزه‌دیده، موسع‌تر از تعریف ارائه شده در دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا است. اساسنامه، طی دو بند، بزه‌دیدگان را تعریف کرده است:

1. Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power .A/RES/40/34.

2. immediate family

3. dependents of the direct victims

۴. ماده ۸۵ آیین دادرسی و ادله در قسمت a که اشخاص حقیقی و در قسمت b که اشخاص حقوقی را به‌عنوان بزه‌دیده معرفی کرده، به ترتیب از عبارات زیر استفاده کرده است:

A) "Victims" Means Natural Persons...

B) Victims May Include ...

از سیاق عبارات به کار رفته استنباط می‌گردد که معنا و مصداق بارز بزه‌دیده، اشخاص حقیقی بوده، شمول عنوان بزه‌دیده بر اشخاص حقوقی، امری فرعی و استثنایی است.

الف. بزهدیدگان به معنای اشخاص حقیقی هستند که در نتیجه ارتکاب جرائمی که در صلاحیت دیوان قرار دارد، دچار آسیب شده‌اند.

ب. بزهدیدگان ممکن است، شامل سازمان‌ها یا نهادهایی شوند که اموالشان اختصاص به مذهب، آموزش، هنر، علم یا اهداف خیریه یافته و به آثار تاریخی، بیمارستان‌ها، و دیگران اماکن و اشیای آن‌ها که برای اهداف بشردوستانه است، آسیب مستقیم وارد شده است.^۱

قواعد آیین دادرسی و ادله دیوان، بین اشخاص حقیقی و حقوقی، تفاوت قائل شده است؛ بدین ترتیب که در مورد دسته اخیر، ورود آسیب مستقیم شرط شده است. تعریفی که دو دادگاه کیفری بین‌المللی اختصاصی ارائه کرده‌اند، دال بر آن است که از منظر آن دادگاه‌ها، کسی می‌تواند از جایگاه بزهدیده برخوردار شود که شخصاً از وقوع جرم آسیب دیده باشد و نمی‌توان این عنوان را شامل کسانی دانست که برای نمونه، به تبع بزهدیدگی یکی از نزدیکانشان آسیب دیده‌اند. اما تعریف دیوان با تأکید بر ضرورت آسیب دیدن در نتیجه یکی از جرائم مشمول صلاحیت و نیز با پذیرفتن ضمنی آسیب غیرمستقیم به اشخاص حقیقی، مفهوم گسترده‌تری از بزهدیده را مدنظر قرار داده است تا از این طریق بتوان راه را برای ارائه تفاسیر موسع در جهت منافع کسانی که امکان بهره‌مندی از وصف بزهدیده را دارند، هموار کرد [۳، ص ۲۰۰ و ۲۰۱].

درخصوص قاعده (b) ۸۵، دادرسی دیوان، مشارکت اشخاص حقوقی را طبق معیارهایی مورد حمایت قرار داده و معتقد است که نماینده نهادهای مربوط، اختیار کافی برای مشارکت را دارا هستند. مثلاً شعبه اول دادگاه در پرونده لوبانگا، مدیر مدرسه‌ای که شبه‌نظامیان تحت فرماندهی لوبانگا، اقدام به سربازگیری از دانش‌آموزانش کرده بودند را با عنایت به این‌که خودش نیز واجد شرایط طبق قاعده (a) ۸۵ بود، هم از طرف خودش به‌عنوان شخص حقیقی و هم به نمایندگی از سوی

1. *Rules of Procedure and Evidence*, 2nd ed., 2013.



مدرسه به‌عنوان شخص حقوقی، واجد شرایط بزه‌دیده قلمداد کرد.^۱ اما در پرونده بمبا در خصوص درخواستی از سوی کشیشی که کلیسای او بنا به گفته برخی، آن‌طور که ادعا شده بود، توسط نظامیان تحت فرماندهی بمبا غارت شده بود، شعبه سوم مقدماتی این‌گونه تصمیم گرفت که اطلاعات مرتبط با تقاضای کشیش از سوی کلیسا [به‌عنوان شخص حقوقی] کافی نیست و صرفاً درخواست مشارکت وی [به‌عنوان شخص حقیقی] قابل پذیرش است.^۲

۳. تحول نقش بزه‌دیده با بازشکوفایی سنت‌های ترمیمی

دلماس مارتی^۳ به حق معتقد است که هراندازه جایگاه بزه‌دیده وسیع‌تر شود، به همان میزان روش و نظام کیفری، جنبه جبران خسارت به خود می‌گیرد. چنانچه این حالت کلی باشد، نظام کیفری فقط رسالت اولیه خود را که همانا سزادهی (یعنی اولویت دادن به مجازات بزه‌کار) است، حفظ خواهد کرد [۴، ص ۷۶]. برخی بر این باورند که عدالت ترمیمی پیشینه‌ای به بلندای تاریخ باستان دارد و تاکنون فرهنگی را نیافته‌اند که پاره‌ای از سنت‌های ریشه‌دار عدالت ترمیمی را در خود نداشته باشد، همچنان که هیچ فرهنگی بدون سنت‌های عدالت سزادهنده وجود ندارد [۵، ص ۵۵۱]. بررسی حقوق باستانی بعضی ملل و جایگاه بزه‌دیده در پاسخ‌دهی به بزه بزه‌کار در این نظام‌ها، عقیده کسانی چون بریت ویت را تأیید می‌کند. باز مور^۴، واشنگتن^۵ و وان نس^۶، آلبرت اگلش^۷ را به‌عنوان نخستین کسی که «عدالت ترمیمی» را به مثابه یک جانشین یا بدیل جبران‌کننده به جای عدالت تنبیهی و بازپرورمدار به‌روشنی شناسانده، ستوده‌اند [۵، ص ۵۲۹].

1. Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo, Decision on the application by victims to participate in the proceedings, ICC 01/04-01/06-1556, 15 December 2008, paras. 110. 111.

2. Prosecutor v. Jean. Pierre Bemba, Fourth decision on victim's participation, ICC. 01/05-01/08. 320, 12 December 2008, paras. 54-56.

3. Delmas Marty

4. Bazemore

5. Washington

6. Van Ness

7. Albert Eglash

رویکرد ترمیمی، بزه‌دیده را به‌عنوان یک انسان، فارغ از دخالت و احیاناً تقصیر وی در وقوع جرم مدنظر قرار داده و با طرد پندارهای کیفری سنتی، به تقویت نقش بزه‌دیده در فرایند کیفری پرداخته و وی را به عاملی نقش‌آفرین در تصمیم‌گیری‌ها بدل ساخته است [۶، ص ۱۸۹-۲۹۰]. البته باید اذعان داشت که نبود معیارهای دقیق و راهبردی، اجرای عدالت ترمیمی را با ایجاد امکان سوءاستفاده و بروز انحراف در مورد این دیدگاه‌ها با تنگنمایی مواجه ساخته است؛ ولی در مجموع، مقایسه نقاط ضعف و قوت این رویکرد، بهره‌گیری از مطالعات نظام عدالت ترمیمی را در هر نظام کیفری که ادعای پویایی و خلاقیت دارد، توجیه می‌کند [۷، ص ۸۵-۱۲۹].

۴. بزه‌دیده‌محوری در آغازگری دعوا و تحقیقات مقدماتی از منظر حقوق تطبیقی

نقش بزه‌دیدگان در اساسنامه دادگاه‌های بین‌المللی ویژه، نظیر یوگسلاوی سابق و رواندا حداقلی و محدود به حفاظت و استرداد اموال آنان بوده است [۸، ص ۶۲۳]. تدوین‌کنندگان اساسنامه دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا معتقدند که اجازه مشارکت به بزه‌دیدگان می‌تواند منجر به دخالت در اختیارات دادستانی و انحراف اذهان قضات دادگاه و نتیجتاً اطلاع دادرسی^۱ شود [۸، ص ۶۲۵]. با وجود این اولین رئیس دادگاه یوگسلاوی سابق بیان می‌دارد: «یگانه جایگزین متمدنانه میل به انتقال، اجرای عدالت ترمیمی است» [۹، ص ۴۵۷-۴۸۰].

سنت‌های عدالت ترمیمی موجود در همه فرهنگ‌های بزرگ جهان در طول دو سده گذشته، همواره مورد تاخت و تاز بوده‌اند. در هر جای جهان، الگوهای عدالت ترمیمی به دلیل جهانی شدن مفهوم دولت مرکزی که کنترل و نظارت بر عدالت را برعهده دارد و آن را در چارچوب یک رژیم سزادهی توجیه می‌کند، با موانعی جدی روبه‌رو هستند [۹،

1. prolonging the trial



ص ۵۶۱]. در تقابل با این چالش، جامعه جهانی بزه‌دیده‌شناسی در سال ۱۹۷۹ به منظور ارتقای موقعیت و حقوق بزه‌دیدگان و بزه‌دیدگان حکومت‌های غیرمردم‌سالار تأسیس شد.^۱ کوشش‌های صورت گرفته از سوی دانشمندان معطوف به سیاست جنایی بزه‌دیده‌مدار و عدالت ترمیمی، در دهه ۱۹۸۰، در سطح منطقه‌ای در قالب کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان جرائم خشونت‌بار^۲ و در سطح جهانی در اعلامیه سازمان ملل متحد راجع به اصول بنیادین عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت ۱۹۸۵ متبلور گشت.

در سال ۱۹۹۰ در اتحادیه پادشاهی انگلستان «منشور بزه‌دیدگان»^۳ منتشر شد. البته مهم‌ترین عامل محدودکننده منشور این است که هیچ ابزار اجرایی در آن وجود ندارد [ص ۱۰، ۲۹۱]. انتقادات ناشی از بی‌توجهی دادگاه‌های بین‌المللی سابق به حقوق بزه‌دیدگان و اهمیت فزاینده این حقوق در نظام‌های کیفری داخلی، به علاوه تلاش‌های نهادهای مدنی و کشورهای هم‌رأی با این منتقدان، به‌ویژه در کنفرانس رم، سبب برقراری و تحکیم «بزه‌دیده‌محوری» در مقررات دیوان شد. به بیان دیگر، اساسنامه دیوان برخلاف اساسنامه دادگاه‌های پیشین، توجه خاصی به هر دو جنبه عدالت سزادهی و ترمیمی داشته است [ص ۱۱، ۱۵۰].

عبدالفتاح جرم‌شناس کانادایی به نقل از گالاوی و هودسون (۱۹۸۱)^۴ می‌نویسد: «در روزگاران قدیم که همه اعمال زیان‌آور، شبه‌جرم‌های مدنی^۵ تلقی می‌گردیدند و هیچ تفاوتی میان حقوق مدنی و حقوق جزا وجود نداشت، بزه‌دیدگان از موقعیت بهتری برخوردار بودند. در

1. International Crime Victims Survey (ICVS)

2. *European Convention on the Compensation of Victims of Violent Crimes*. Strasbourg, 24.XI.1983.

3. victim's charter

4. Gallaway and Hudson, 1981

۵. عبارت شبه‌جرم که در ادبیات حقوقی ایران متداول شده است، تعبیر درست و دقیقی برای اصطلاح خارجی tort که برگرفته از واژه لاتین tortum به معنای خطا و ظلم است، نیست. مفهوم دقیق این اصطلاح، عبارت است از نقض یک تعهد غیرقراردادی که می‌توان آن را «تعهدسکنی غیرقراردادی» نیز ترجمه کرد. تلفیق عبارت شبه‌جرم با قید مدنی، آن را از معنای دقیق این اصطلاح دورتر می‌کند.

آن زمان بزه صرفاً دارای جنبه خصوصی بود و بزه‌دیدگان نقش مدافعان اصلی را در محاکمات ایفا می‌کردند و به این ترتیب تعقیب مجرم به جای آن‌که به عهده مقام سلطنت باشد، به عهده بزه‌دیده یا نماینده وی قرار داشت. بعدها با ایجاد سمت دادستان عمومی، نقش بزه‌دیده تضعیف گردید و اهمیت خود را در مراحل مختلف عدالت کیفری از دست داد» [۱۲، ص ۹۱].

افول واقعی موقعیت بزه‌دیده، با پیدایش حقوق کیفری تحقق پیدا کرد، زیرا بر این اساس، عمل بزهکارانه به جای آن‌که اقدامی علیه بزه‌دیده تلقی گردد، عمل مجرمانه‌ای علیه مقام سلطنت و بعدها علیه دولت محسوب گردید. تا سال ۱۸۷۵ در انگلستان اقامه دعوا در دادگاه‌های شاهی، حقی برای افراد نبود، بلکه امتیازی بود که باید اعطای آن را در خواست کرد و مقام سلطنت جز به میل خود آن را اعطا نمی‌کرد. دادگاه‌های شاهی با گسترش این فکر که مصلحت مقام سلطنت، دخالت آن‌ها را توجیه می‌کند، صلاحیت خود را افزایش دادند و بدین سان، کلیه دعوایی که به دادگاه‌های مزبور ارجاع می‌شد، به گونه‌ای اختلافات حقوق عمومی به شمار می‌آمد [۱۳، ص ۳۱۳، ۳۱۹ و ۳۲۰].

کارگزاران عدالت ترمیمی نتیجه گرفته‌اند که احساس نارضایتی بزه‌دیدگان از رویکرد سزادهی به خاطر آن است که آن‌ها در فرایند رسیدگی، مشارکت داده نمی‌شده‌اند و ممکن بود که به‌عنوان شاهد حضور یابند، اما هرگز در این فرایند، تصمیم‌ساز نبوده و مشارکت فعالی نداشته‌اند [۱۴، ص ۱۸۷]. موضوع مهم دیگر این‌که کاهش رقم سیاه در بزهکاری^۱ تا حد زیادی در پرتو تکریم بزه‌دیده و ترغیب او به طرح شکایت حاصل می‌شود.

۵. مشارکت بزه‌دیده در شکل‌گیری دعاوی و تحقیقات مقدماتی

در دیوان

۵-۱. مشارکت بزه‌دیده در شکل‌گیری دعاوی کیفری

بزه‌دیده بهترین شخصی است که با ارائه اطلاعات و جزئیات از زوایای رویداد

1. dark figure of crime



مجرمانه، می‌تواند مقامات تحقیق را به کشف حقیقت و درک صحیح از چگونگی رخدادها یاری کند. بدون مشارکت و همکاری بزه‌دیده در گزارش جرم، اقامه ادله و اقدام به منزله گواه در دادگاه، بیش‌تر جرم‌ها پنهان باقی مانده، بزه‌کارانشان از چنگال عدالت می‌گریزند. از جمله طرق تسهیل حل و فصل دعاوی کیفری و اثرگذار بودن مشارکت، شنیدن و توجه به دیدگاه‌ها و نگرانی‌های بزه‌دیدگان است. اظهارنظر بزه‌دیده راجع به آثار جرم بر خود^۱ و حکم محکومیت،^۲ از حقوق بزه‌دیده محسوب می‌شود.

سایه سنگین هراس کشورها در از دست دادن حاکمیت قضایی در جای جای اساسنامه و آیین دادرسی دیوان مشهود است. نگاهی به این اسناد، نمایانگر احتیاطات گسترده در زمینه طرح دعاوی کیفری است، که «اصل صلاحیت تکمیلی»^۳، «قابلیت پذیرش دعوا»^۴ و «نظارت شعب مقدماتی در تعقیب و تحقیق» دلالت بر این موضوع دارند. لزوم تأیید و تجویز تحقیق از سوی شعب مقدماتی نیز در اثر فشار ناشی از موضع برخی کشورها که با اختیارات وسیع دادستان مخالف بودند، صورت پذیرفت؛ حال آن‌که در اساسنامه دادگاه‌های موردی نظیر دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق، دادستان نقش پررنگ‌تر و قابل ملاحظه‌ای دارد [۱۵، ص ۵۱۹].

ماده ۱۳ اساسنامه، سه طریق را برای شروع به تعقیب در نظر گرفته است. اولاً یک دولت وضعیتی را که در آن یک یا چند جرم در صلاحیت دیوان در آن رخ داده به دادستان ارجاع کند. ثانیاً شورای امنیت چنین وضعیتی را حتی در صورتی که در قلمرو کشورهای غیرعضو رخ دهد به دادستان ارجاع دهد و ثالثاً دادستان رأساً شروع به تعقیب کند. بر این اساس، بزه‌دیده در دیوان نه به طور مستقل و نه به نحو مستقیم، نقشی در شروع یک فرایند کیفری ندارد و برخلاف عمده نظام‌های کیفری ملی، صرف شکایت بزه‌دیده، دادستان دیوان را موظف به آغاز تعقیب و تحقیق نمی‌کند.

-
1. victim impact statement
 2. victim allocution
 3. the principle of complementary jurisdiction
 4. admissibility

۵-۲. مشارکت بزهدیدگان در مرحله تحقیقات مقدماتی

به موجب ماده (۱) ۴۲ اساسنامه، دادسرا^۱ در عملکرد خود مستقل است. این اداره متصدی دریافت مکاتبات و اخذ اطلاعات مربوط به جرائمی است که در صلاحیت دیوان است. همچنین وظیفه بررسی اطلاعات مزبور، هدایت در امر تحقیق و دفاع از کیفرخواست در مقابل دادگاه به عهده دادسرا است. اعضای این اداره نه دستوری از خارج دریافت کرده و نه براساس دستوری از خارج عمل می‌کنند.

اگرچه اساسنامه دیوان به صراحت تمایزی میان «وضعیت» و «پرونده» قائل نشده است، اما از ساختار اساسنامه، تفاوت‌های بسیاری بین این دو استنباط می‌گردد. «وضعیت» واژه‌ای است که در تبیین آن شاخصه‌های زمانی و مکانی مدنظر بوده، امکان شمول بسیاری از رویدادها، مرتکبان احتمالی و اتهامات بالقوه را در خود دارد؛ اما واژه «پرونده» اشاره به رویدادی منسجم می‌کند که با یک یا چند مظنون یا متهم معین، درون یک «وضعیت» تحت تحقیق رخ داده است که در پی آن اقدام به صدور حکم بازداشت یا توقیف یا ارسال احضاریه صورت می‌گیرد [۱۶، ص ۱۴]. مثلاً وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو شامل پنج پرونده است که پرونده لوبانگا از معروف‌ترین پرونده‌های وضعیت مزبور محسوب می‌گردد.

بخش مقدماتی نقش بارزی در مرحله تحقیق و تعقیب دارد و دوشادوش دادستان فعالیت می‌کند و عمده وظایفش عبارتند از: صدور اجازه آغاز تحقیقات^۲، رسیدگی به اعتراضات در زمینه قابلیت پذیرش دعوا و صلاحیت دادگاه^۳، ارائه اجازه به دادستان به منظور انجام تحقیقات^۴، ارائه اجازه به دادستان به منظور جایگزین‌سازی اتهامات و آگاه‌سازی متهم از این امر^۵، افزایش اتهامات یا تشدید آن‌ها ضمن تشکیل جلسه

1. the office of prosecutor

۲. مواد (۴) ۱۵ و (۳) ۱۸ اساسنامه

۳. ماده ۱۹ اساسنامه

۴. ماده (۳) d) ۵۷ اساسنامه

۵. ماده (۹) ۶۱



رسیدگی و به علاوه این‌که ضمن برگزاری جلسه شعبه مقدماتی تعیین خواهد کرد که آیا دلایل کافی نسبت به متهم بودن مظنون وجود دارد یا خیر (تأیید اتهامات)^۱.
کوشش برای ایجاد برابری میان بزه‌دیده و بزه‌کار، دغدغه‌ای کلاسیک در نظریه دادگری ارسطو است. دادگری اصلاحگر درصد ایجاد برابری‌ای است که پیش از عمل خطاکارانه میان بزه‌دیده و بزه‌کار وجود داشته است [۱۷، ص ۳۱۳ و ۳۱۴].
در مورد میزان مداخله بزه‌دیدگان در خصوص ماده ۱۵ اساسنامه، دیدگاه‌های متفاوتی به هنگام تدوین نهایی آیین دادرسی دیوان وجود داشته است. در سمینار پاریس، پیشنهادهایی درباره مشارکت بزه‌دیدگان وجود داشت. حتی برخی از آن‌ها تا آن‌جا پیش رفتند که بزه‌دیدگان در مرحله بررسی قابلیت پذیرش یک قضیه در دیوان نیز دخیل باشند. تعدادی از هیأت‌های نمایندگی کشورها، معتقد بودند که بزه‌دیدگان باید به طور کامل در مرحله تحقیق و تعقیب مشارکت داشته باشند. برعکس تعداد دیگری از هیأت‌های نمایندگی عقیده داشتند که این میزان از مشارکت و مداخله، با هدف ماده ۱۵ که همانا بررسی فوری درخواست دادستان برای صدور مجوز تحقیق است، منافات دارد [۱۸، ص ۱۴۲].
یکی از حقوق‌دانانی که نمایندگی بزه‌دیدگان در وضعیت دارفور را برعهده داشت، گفته است که تکمیل درخواست از سوی بزه‌دیدگان، دانش حقوقی بسیار زیادی را می‌طلبد و لذا انجام آن توسط اشخاص غیرمتخصص مقدور نیست [۱۹، ص ۱۳].
اساسنامه رم، تنها مرجع بین‌المللی است که به بزه‌دیده امکان داشتن نماینده قانونی را می‌دهد. شایان تأکید مجدد است که یکی از جهات عمده اهمیت موقعیت بزه‌دیده این است که در بسیاری از پرونده‌ها، اطلاعات بزه‌دیدگان منجر به شروع تحقیقات از سوی دادستان شده است [۲۰، ص ۳۵۸].
اساسنامه رم، دو طریق را در راستای حقوق مشارکتی بزه‌دیدگان ارائه کرده است:

۱. ماده (۷) ۶۱

2. corrective justice

طریق اول که بسیار محدود است را مواد(۳)۱۵ و ۱۹ اساسنامه صراحتاً مشخص و ترسیم کرده است که طبق آن، بزه‌دیدگان می‌توانند در شروع تحقیقات و مباحث صلاحیتی و قابل پذیرش بودن، ایفای نقش کنند. طریق دوم که بسیار موسع، اما تاریک و مبهم است در ماده(۳) ۶۸ دیوان آمده که به بزه‌دیدگان اجازه می‌دهد به طور کلی، در مراحل رسیدگی مشارکت داشته باشند [۲۱، ص ۲۵ و ۲۶].

در گزارش خطمشی دادستانی آمده است که درخواست مشارکت بزه‌دیده وفق ماده (۳) ۶۸ اساسنامه، براساس تفسیر علمی و فلسفه ایجاد، زمانی مورد حمایت دادسرا قرار خواهد گرفت که شرایط ذیل فراهم آید:

۱. انطباق شرایط متقاضی با تعریف بزه‌دیده در قاعده ۸۵ آیین دادرسی و ادله،

۲. تعرض به منافع شخصی متقاضی،

۳. «مناسب» تشخیص داده شدن مشارکت بزه‌دیده،

۴. منافی حقوق متهم و دادرسی عادلانه و بیطرفانه نبودن مشارکت [۲۲، ص ۵].

مقررات موضوعه دیوان درخصوص مشارکت بزه‌دیدگان کلی است و این امر، قضات را قادر می‌سازد تا رویکرد موسعی در این راستا اتخاذ کنند [۳، ص ۱۹۵]. تاکنون دادستانی، شعب مقدماتی، شعب دادگاه و حتی شعبه تجدیدنظر، اقدام به تصمیم‌گیری در زمینه مشارکت بزه‌دیدگان کرده‌اند که بحث مشارکت در تحقیقات، به‌ویژه تحقیق در یک وضعیت، بیش‌ترین اختلاف‌نظرها را به خود اختصاص داده است.

محاکمه لوبانگا در وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو، اولین محاکمه بین‌المللی است که به مشارکت بزه‌دیدگان، نه به‌عنوان شهود، بلکه به‌عنوان طرفی مجزا و مستقل از آن‌ها با حقوق جداگانه و نمایندگان حقوقی اختصاصی توجه کرده است [۲۳، ص ۱]. در مجموع، ۱۲۹ بزه‌دیده در محاکمه لوبانگا مشارکت داشتند و ۸ نماینده حقوقی، نمایندگی بزه‌دیدگان را برعهده گرفته بودند. عمده مشارکت در این پرونده مربوط است به مراحل تحقیق و شعبه مقدماتی. به علاوه سه نفر از بزه‌دیدگان توانستند به ارائه دیدگاه‌های‌شان در طول رسیدگی در «دادگاه» بپردازند [۲۳، ص ۵ و ۵]. این «وضعیت»



و «پرونده» در خصوص موضوع پژوهش حاضر، بیش‌ترین دیدگاه‌ها را که بعضاً مغایر هم هستند دربرگرفته که به اهم آن‌ها می‌پردازیم. در این «وضعیت» نماینده دادستان معتقد بود که مشارکت بزه‌دیدگان در مرحله تحقیقات، مغایر حقوق متهم و دادرسی عادلانه است [۲۰، ص ۳۴۵]. دادستان برخلاف شعبه مقدماتی، اصرار دارد که اشخاص، زمانی به‌عنوان بزه‌دیده جهت مشارکت در مرحله تحقیقات یک «وضعیت» تلقی می‌شوند که شرایط قاعده ۸۵ آیین دادرسی و ادله و ماده (۳) ۶۸ را به طور توأمان دارا باشند. دادستان مدعی است که اجازه مشارکت به طور کلی (بلاقید) در سطح وضعیت، هیچ مبنایی در اساسنامه ندارد و استدلال می‌کند که احراز شرایطی از قبیل این‌که آیا یک بزه‌دیده منافع شخصی^۱ داشته و نیز این‌که آیا این منافع شخصی در معرض تعرض قرار گرفته یا نه، مستلزم رسیدگی قضایی است و از آن‌جا که در مرحله تحقیق یک وضعیت در دادرسی، قضاوتی صورت نمی‌گیرد، لذا مشارکت بزه‌دیده در این مرحله پذیرفته نیست.

در مقابل شعبه مقدماتی استدلال‌های دادستان را نپذیرفته که ذیلاً به برخی از آن‌ها اشاره شده است:

مشارکت بزه‌دیدگان در مرحله تحقیق در ایضاح حقایق، به منظور مجازات مرتکبان جرائم و تقاضای جبران خسارت صدمات واردشده به کار می‌رود. از این رو مرحله تحقیق یک وضعیت و مرحله رسیدگی به دعوا در شعبه مقدماتی، هر دو مراحل مقتضی و مناسب از مراحل رسیدگی برای مشارکت بزه‌دیدگان محسوب می‌شوند. در نتیجه، این رویه‌ای برای بزه‌دیدگان در ارتباط با وضعیت (به طور کلی) و پرونده (به طور خاص) محسوب می‌گردد.^۲

علی‌القاعده، ترجمه و تفسیر واژه «procedure» در متن فرانسوی و واژه «proceedings» در متن انگلیسی ماده (۳) ۶۸ اساسنامه، شامل مرحله تحقیق یک

1. personal interest

2. See: No. ICC-02/05-111. corr, pre-trial chamber I (single judge), 14 December 2007, paras. 11 & 14.

وضعیت نیز می‌شود و به طور کلی به بزهدیدگان حق دستیابی به دیوان در این مرحله داده شده است.^۱ قاضی رنه بلتمن^۲ اظهار داشته است: «مشارکت بزهدیدگان یک امتیاز اعطایی از سوی قضات نیست، بلکه حقی است که اساسنامه برای بزهدیدگان به رسمیت شناخته است»^۳. او در جای دیگر استدلال کرده که اعطای [حق مشارکت] در رویه رسیدگی به پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی، در استانداردهای بین‌المللی حقوق متهم و محاکمه عادلانه، نه الزام شده است و نه منع.^۴ به علاوه مشارکت بزهدیدگان در مرحله تحقیق، به خودی خود^۵ نه صحت و بیطرفی تحقیقات را به مخاطره می‌اندازد و نه با کارامدی و وثاقت رسیدگی‌ها ناسازگار است.^۶

همچنین در رأی شعبه دوم مقدماتی نیز به این استدلال اشاره شده است که مشارکت بزهدیدگان در طول تحقیق یک «وضعیت» ریشه در قاعده ۹۳ آیین دادرسی و ادله دارد؛ آن‌جا که به شعبه اجازه داده شده است که «دیدگاه‌های بزهدیدگان و نمایندگان قانونی را که به موجب قواعد ۸۹ تا ۹۱ [در جلسات] شرکت داشته‌اند در هر موضوعی می‌تواند بخواهد» و «نظر سایر بزهدیدگان را چنانچه مقتضی بداند، می‌تواند درخواست کند». لذا می‌توان این‌گونه استنباط کرد که شعبه، در صورتی که مقتضی بداند، می‌تواند بزهدیدگان را جهت بیان دیدگاه‌های‌شان در یک یا چند موضوع، آن‌هم در هر مرحله از رسیدگی دعوت کند (شامل مرحله تحقیق در یک وضعیت).^۷

اما در ۱۹ دسامبر ۲۰۰۸، شعبه تجدیدنظر، رأی شعبه مقدماتی را نقض کرد و این‌گونه حکم داد که «تحقیق» یکی از مراحل رسیدگی مورد اشاره در ماده (۳) ۶۸

1. See: No. ICC. 01/04/101. ten-corr. pre. trial chamber1, 17 January 2006, par 46.

2. Rene Blattman

3. Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo, Separate and Dissenting Opinion of Judge, Rene Blattman to Decision on Victim's Participation, ICC. 01 / 04-01/ 06-1119, 8 January 2008, para. 13.

4. NO. ICC. 01/04. 01/ 07 – 747, pre. trial chamber 1(single judge), 13 May 2008. Par. 72

5. Per se

6. See: No. ICC. 01/04/101. ten-corr. pre. trial chamber1, 17 January 2006, par 57.

7. See: No. ICC-02/04-101, pre-trial chamber II (single judge), 10 august 2007, par. 102.



محسوب نمی‌گردد.^۱ اجازه مشارکت به بزه‌دیدگان در ارزیابی اولیه وضعیت ارجاعی از سوی دول عضو و نیز برطبق اختیار انحصاری دادستان، برخلاف اساسنامه قلمداد می‌گردد.^۲ طبق تشخیص شعبه تجدیدنظر، حقوق مندرج در ماده (۳) ۶۸ منحصر به مراحل دادرسی نزد دیوان است و لذا شعبه مقدماتی، به‌غلط این حقوق محدود را تعمیم بخشیده و شامل «تحقیقات» نیز دانسته است.^۳ شعبه پژوهشی تشریح کرد که مانعی برای حضور و مشارکت بزه‌دیدگان در رسیدگی‌های قضایی نظیر رسیدگی‌هایی که در تحقیقاتش منافع و مصالح شخصی بزه‌دیده مورد تعرض قرار گرفته باشد، وجود ندارد.^۴ این موضع، در وضعیت دارفور نیز توسط شعبه تجدیدنظر تأیید شد.^۵

ضمناً شعبه پژوهشی بیان داشته که واضح است شعبه مقدماتی نمی‌تواند ایجاد رویه‌ای را که متضمن حق کلی مشارکت بزه‌دیده باشد در امر تحقیق اعطا کند. شعبه پژوهشی در موقعیتی نیست که به شعبه مقدماتی توصیه کند که چطور باید جهت مشارکت در رسیدگی‌های قضایی در مرحله تحقیق یک «وضعیت» در آینده رسیدگی کند و لذا در غیاب هرگونه راهنمایی شفاف در نظر شعبه پژوهشی، موضوع محل بحث است [۲۴، ص ۸۶].

سکوت و کلیری درخصوص مشارکت در مرحله تحقیق معتقدند: «نه سیاق عبارات ماده [۶۸(۳)] و نه مذاکرات سابق بر تصویب تدوین‌کنندگان اساسنامه، هیچ‌یک به‌وضوح به اعمال [مشارکت بزه‌دیده] در مرحله تحقیق یک «وضعیت» اشاره نکرده‌اند. در مقابل،

1. Situation in the Democratic Republic of Congo, Judgment on Victim Participation in the Investigation Stage of the Proceedings in the Appeal of the OPCD against the Decision of Pre-trial chamber I of 7 December 2007 and in the Appeals of the OPCD and the Prosecutor against the Decision of Pre-trial Chamber I of 24 December 2007, Situation NO. ICC. 01/04 OA4 OA5 OA6 (Appeals Chamber, December 19, 2008) at par. 45.

2. *Ibid*, paras 51, 54.

3. *Ibid*, paras 55, 56.

4. *Ibid*, para. 56.

5. Situation in Darfur, Judgment on Victim Participation in the Investigation Stage of the Proceedings in the Appeal of the OPCD against the Decision of Pre-trial Chamber I of 3 December 2008 and in the Appeals of the OPCD and the Prosecutor against the Decision of Pre-trial Chamber I of 6 December 2007, Situation NO. ICC. 02/05 OA OA2 OA3 (appeals chamber) which Directly Cites the 19 December 2008 Decision of the Appeals Chamber.

تدوین‌کنندگان طرح مشارکت بزه‌دیدگان در دیوان، به دیوان اجازه داده‌اند که طبق صلاحدید و با اختیار موسع، جهت وصول به یک توازن میان اهداف و نگرانی‌های تدوین‌کنندگان در راستای چگونگی پیاده‌سازی و اجرای مقررات این طرح اقدام کند. با این حال به‌عنوان یک موضوع کاربردی، تصمیم شعبه اول مقدماتی جهت توسعه و تعمیم ماده (۳) ۶۸ به مرحله تحقیق یک «وضعیت»، به‌کارگیری رویکرد ترمیمی، آن‌گونه که مورد انتظار تدوین‌کنندگان طرح مشارکت بزه‌دیدگان بوده، را با شکست مواجه ساخته و در عین حال کارایی و منصفانه بودن رسیدگی را نیز تضعیف می‌کند [۲۵، ص ۷۵].

از استدلال‌های بیش‌تر مطرح شده در زمینه مشارکت فعال بزه‌دیده در مرحله تحقیقات مقدماتی، تعارض با حقوق متهم است. خالی از فایده نیست در اینجا به قانون هلند اشاره شود که تصریح می‌کند در سه صورت پرسش از بزه‌دیده می‌تواند مورد پذیرش کارگزاران عدالت کیفری قرار نگیرد که یکی از این صور این است که رویارویی بزه‌دیده و متهم، زیانبار تلقی شود. زیان وارد، زیان عاطفی را نیز در برمی‌گیرد [۲۶، ص ۱۷۹].

اساسنامه و آیین دادرسی و ادله بر سایر منابع حقوقی ارجحیت دارد، چرا که ماده ۲۱ اساسنامه، سلسله‌مراتب اولویت منابع قابل اجرا از سوی دیوان را مشخص کرده است [۲۷، ص ۱۸۹]. در این ماده، صراحتاً در میان «حقوق قابل اجرا» در وهله نخست به اساسنامه، عناصر جرائم و آیین دادرسی و ادله اشاره شده است؛ لکن حقوق قابل اجرا محدود به این مقررات نیست و در موارد سکوت و ابهام و بعضاً تعارض، می‌توان به سایر منابع متوسل شد. در زمینه حقوق قابل اجرا، در وهله دوم، به معاهدات قابل اجرا و قواعد حقوق بین‌الملل^۱ و سرانجام به اصول کلی حقوق که توسط دیوان از قوانین ملی نظام‌های حقوقی جهان استخراج شده باشد،^۲ اشاره شده است. برخی معتقدند تفسیر اساسنامه براساس دو نظام حقوق بین‌الملل عمومی و حقوق

۱. بند (B) ماده ۲۱ اساسنامه.

۲. بند (C) ماده ۲۱ اساسنامه.



کیفری بین‌الملل، نتایج متفاوتی به دنبال دارد [۲۸، ص ۱۰۴]. بهترین روش برای دستیابی به اصول کلی حقوقی به‌عنوان یکی از منابع و حقوق قابل اجرای دیوان، مطالعه تطبیقی نظام‌های حقوقی عمده جهان است [۲۹، ص ۴۸].

۶. نتیجه‌گیری

تحت تأثیر تحولات و فرایند حاکم بر حقوق کیفری بین‌الملل، دیوان نسبت به محاکم اختصاصی بین‌المللی پیشین با تقویت نقش بزه‌دیده در فرایند کیفری، وی را از حالت انفعال خارج ساخته و تا حدودی به عاملی نقش‌آفرین در تصمیم‌گیری‌ها بدل ساخته است. با وجود این اساسنامه رم برای بزه‌دیدگان حق واقعی در آغازگری رسیدگی‌ها را به رسمیت نشناخته است. در این مرحله حقوق مشارکتی آنان بر شروع تحقیقات بسیار محدود است. اما در مقایسه با این مرحله، دیوان در مرحله رسیدگی‌های تحقیقی، حقوق مشارکتی نسبتاً گسترده‌تری را مورد پذیرش قرار داده که البته این تصمیم از سوی بسیاری، از جمله دادسرای دیوان و در رأس آن مقام دادستان، مورد انتقادات جدی قرار گرفته است. دیوان در این مرحله با اتخاذ رویکرد تقریباً موسع، به‌ویژه در زمینه پیش‌شرط‌های مشارکت و تعریف بزه‌دیده، به دنبال آگاه‌سازی و توانمندسازی بزه‌دیدگان بوده و برای آنان اجازه مشارکت و بیان دیدگاه‌ها و نگرانی‌ها را قائل گردیده است.

ایجاد اطلاع در رسیدگی‌ها، تعرض به حقوق متهم، مخدوش کردن دادرسی عادلانه و احساسی شدن فضای رسیدگی‌ها از زمره مهم‌ترین ایراداتی هستند که به مشارکت بزه‌دیدگان گرفته شده است. با وجود این، مزایای مشارکت و اهداف مثبت حاصل از آن، نظیر اعطای حق بیان به بزه‌دیدگان، دستیابی به حقیقت، سازش، تحکیم هنجارها و استقرار حکومت قانون، ترجیح قابل ملاحظه‌ای بر معایب آن دارد، ضمن این‌که دیوان با ابزارهای در دسترس و صلاح‌دید گسترده خود در این زمینه، می‌تواند بسیاری از ایرادات مطروح را رفع یا کمرنگ سازد.

از آن‌جا که فرایند تدوین اساسنامه دیوان در سال‌های متمادی و در کمیته‌های متعددی که حقوقدانان مختلفی در آن‌ها حضور داشته‌اند، صورت گرفته است و در اجلاس رم نیز مناقشات و مباحثات فراوانی، به‌ویژه میان دو نظام بزرگ حقوقی دنیا درگرفت و جرح و تعدیل‌های مصلحت‌گرایانه بسیاری به عمل آمد - تا دولت‌های بیش‌تری به عضویت اساسنامه درآیند و از حمایت گسترده‌تری برای فعالیت مؤثر برخوردار گردد - نتیجتاً با اساسنامه‌ای بسیار پیچیده، مبهم و در مواردی متعارض مواجهیم.

باتوجه به این‌که از یک سو، مقررات و عملکرد دیوان در زمینه مشارکت بزه‌دیده در امر تحقیق، نه تنها شفاف نیست، بلکه بعضاً متعارض نیز بوده است و از دیگر سو مشارکت، فی‌نفسه خدشه‌ای به دادرسی عادلانه وارد نمی‌سازد، باید با مدنظر قرار دادن ظرفیت‌های حقوق قابل اجرا از سوی دیوان، ضمن پرهیز از تعیین ضابطه کلی، به راهبردهای مؤثر و منطبق با استانداردهای حقوق بشر و دادرسی عادلانه دست یابیم. نهایتاً بی‌ثباتی عملکرد دیوان در راستای مشارکت بزه‌دیدگان، در بیش از یک دهه‌ای که از آغاز به کار آن می‌گذرد، همراه با مشارکت نامنظم و بدون بهره‌مندی از معاضدت درست و کافی و مشارکت از طریق نمایندگان قانونی، تاکنون مشارکتی تقریباً نمادین را برای بزه‌دیده فراهم آورده است. لذا جان جکسون فضایی را که دیوان درخصوص نظام مشارکت بزه‌دیده به وجود آورده، بحق چنین توصیف کرده است: «باغی نیست که مهبای کار باشد» [۳۰، ص ۲۲۱].

۷. منابع

- [1] Wemmers, J "Victim Reparation and the International Criminal Court", *International Review of Victimology*. Vol. 16; 2009.
- [۲] لپز، ژرار؛ فیلیزولا، ژینا، بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه روح الدین کرد علیوند و احمد احمدی، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۳.



- [۳] رضوی فرد، بهزاد؛ فقیه محمدی، حسن، «تکامل حقوق بزه‌دیدگان از منظر مقررات موضوعه دیوان کیفری بین‌المللی»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ش ۴۵، ۱۳۹۰.
- [۴] لارزژ، کریستین. *سیاست جنایی*، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، یلدا، ۱۳۷۵.
- [۵] بریث ویت، جان، «عدالت ترمیمی»، ترجمه مهرداد رایجیان اصلی، *مجله تحقیقات حقوقی*، ش ۴۳، ۱۳۸۵.
- [۶] ابراهیمی، پیمان، «بزه‌دیده به منزله شاکی و حقوق او در مقررات دادرسی کیفری ایران»، *مجله حقوقی دادگستری*، ش ۵۲ و ۵۳، ۱۳۸۴.
- [۷] عباسی، مصطفی، «عدالت ترمیمی؛ دیدگاه نوین عدالت کیفری»، *مجله پژوهش حقوقی و سیاست*، ش ۹، ۱۳۸۲.
- [8] Mouthaan, S. "Victim Participation at the ICC for Victims of Gender-Based Crimes: a Conflict of Interest". *21 Cardozo Journal of International & Comparative Law*, 2013.
- [9] Frindlay. M; McLean. C. "Emerging International Criminal Justice", *Current Issues in Criminal Justice* . 18(3), 2007.
- [۱۰] صفاری، علی، «حمایت از بزه‌دیده و حمایت‌های مردمی»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ش ۴۰، ۱۳۸۳.
- [۱۱] جعفری، فریدون، *دیوان کیفری بین‌المللی و جهانی سازی حقوق کیفری*، تهران، میزان، ۱۳۹۰.
- [۱۲] عبدالفتاح، عزت، «از سیاست مبارزه با بزهکاری تا سیاست دفاع از بزه‌دیده»، ترجمه سوسن خطاطان و علی حسین نجفی ابرند آبادی، *مجله قضایی و حقوقی دادگستری*، ش ۳، ۱۳۷۱.
- [۱۳] داوید، رنه، *نظام‌های بزرگ حقوقی معاصر*، ترجمه حسین صفایی، محمد آشوری و عزت اله عراقی، چ ۲، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹.
- [14] Morris, A; Gabrielle, M. "Restorative Justice in New Zealand: Family

- Group Conferences as a Case Study", *Western Criminology Review*, 1(1), 1998 [Online], Available: <http://wcr.sonoma.edu/v1n1/morris.html>. Last Visit at: 2014/14/ 1.
- [۱۵] تاورنیه، پل، «دادگاه جزایی بین‌المللی: تحولات اخیر»، ترجمه ابراهیم بیکزاده، *مجله تحقیقات حقوقی*، ش ۱۶ و ۱۷، ۱۳۷۴.
- [16] Baumgartner, Elisabeth, "Aspects of Victim Participation in the Proceedings of the International Criminal Court", *International Review of the Red Cross*, 90(87), 2008.
- [۱۷] فلچر، جرج، «جایگاه بزه‌دیدگان در نظریه سزادهی»، ترجمه مهرداد رایجیان اصلی، *مجله حقوقی دادگستری*، ش ۶۲ و ۶۳، ۱۳۷۸.
- [۱۸] صابر، محمود، *آیین دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی*، تهران، انتشارات دادگستری، ۱۳۸۸.
- [19] War Crime's Research Office, *Victim Participation at the Case Stage of Proceedings*, International Criminal Court, Legal Analysis and Education Project. American University, Washington College of law, 2009.
- [20] Cohen, M "Victims' Participation Rights within the International Criminal Court: a Critical Overview". Miriam Cohen, *Denver Journal of International Law & Policy*, No. 37, 2009.
- [21] Hon, C. "Bringing Cultural Genocide in by the Backdoor: Victim Participation at the ICC". *Seton Hall Law Review*, 43(1), 2013.
- [22] The Office of Prosecutor, "Policy Paper on Victims' Participation". *International Criminal Court, Hague*. Available at: http://www.icc-cpi.int/iccdocs/asp_docs/RC2010/RC-ST-V-M.1-ENG.pdf. 2010. Last Visit at 2014/10/1.
- [23] Rolek, M, "an Uneven Scale: an Examination of the International

Criminal Court's Progressive Victim Protection Rules in the Lubanga Trial", *Student scholarship*, paper 295, 2013. Available at: http://erepository.law.shu.edu/student_scholarship/295. Last Visit at 2014/ 10/ 1.

[24] The Office of Public Counsel for Victim, *Representing Victims before the International Criminal Court: a Manual for Legal Representatives*, Published by The Office of Public Counsel for Victim (OPCV), International Criminal Court, 2012.

[25] SáCouto, S; Cleary, K. "Victims Participation in the Investigations of the International Criminal Court", 17, *Transnational Law and Contemporary Problems*, 2007.

[۲۶] استولوچ، سام، «نقش و موقعیت بزه‌دیدگان در نظام کیفری هلند (گفتار نخست از سه گفتار تطبیقی در بزه‌دیده‌شناسی: داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی)»، ترجمه مهرداد رایجیان اصلی، *مجله حقوقی دادگستری*، ش ۴۶، ۱۳۸۳.

[27] Saland, P. *International Criminal Law Principles*, in R. S. Lee (ed), *The International Criminal Court: the Making of the Rome Statute: Issues, Negotiations and Results*, the Hague: Kluwer International Law, 1999.

[۲۸] شبث، ویلیام، *مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین‌المللی*، ترجمه باقر میرعباسی و حمید الهویی نظری، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۴.

[۲۹] آقای جنت مکان، حسین، «مفهوم حقوق قابل اجرا در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، *مجله مطالعات حقوقی*، ش ۵، ۱۳۹۰.

[30] Jackson, John. *Faces of Transnational Justice: Two Attempts to Build Common Standards beyond National Boundaries*, in *Crime, Procedure and Evidence in a Comparative and International Context*, John Jackson et al. , eds), 2008.